



مهدی حائری یزدی  
پیشگام در ساحت فلسفه تطبیقی

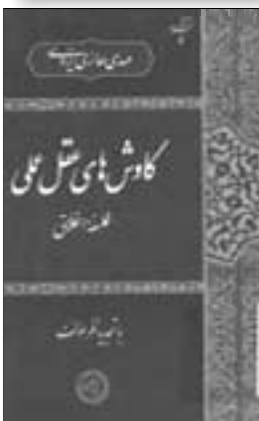
طیبه کریمی

مهدی حائری یزدی، حکیم و اصولی معاصر، فرزند شیخ عبدالکریم حائری یزدی، از مراجع تقلید شیعه و مؤسس حوزه علمیه قم است. مستند ما درباره زندگی ایشان مصاحبه‌هایی است که با ایشان انجام شده و اکنون با عنوان *خاطرات مهدی حائری یزدی* در مجموعه تاریخ شفاهی ایران به کوشش حبیب لاجوردی و نیز آفاق فلسفه به کوشش مسعود رضوی منتشر شده است. برطبق این مدارک، وی در ۱۳۰۲ش در قم متولد شده است. پدرش مقیم قم نبوده است، بلکه پس از رجوع از عتبات چند سالی در اراک ساکن بوده و سپس در سالی که برای عید نوروز به قم رفته بود، به تقاضای مردم در آنجا می‌ماند و حوزه علمیه قم را تشکیل می‌دهد. مهدی حائری یزدی یک سال پس از این اقامت در قم متولد شده است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس عمومی قم سپری و پس از آن در ۱۳۱۵ش تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. مهدی حائری به موازات تحصیل فقه و اصول و با همان جدیت به تحصیل فلسفه پرداخت. اساتید وی در فقه و اصول سیدمحمدحجت کوه‌کمره‌ای، سید محمدتقی خوانساری و آیت‌الله سید محمد بروجردی و در فلسفه سید احمد خوانساری، سید روح‌الله خمینی و میرزا مهدی آشتیانی بودند. پس از پانزده سال تحصیل علوم اسلامی در حدود سال ۱۳۳۰ش به نجف رفت و سپس به تهران بازگشت. پس از فوت میرزا مهدی آشتیانی، سرپرستی مدرسه سپهسالار قدیم که بنا بر وقف‌نامه می‌بایست به ماهر در معقول و منقول واگذار می‌شد، به حائری یزدی واگذار گردید. در این زمان - حدود ۱۳۳۲- تدریس در مدرسه سپهسالار و دانشگاه تهران را نیز آغاز کرد. علاوه بر این به عنوان نماینده آیت‌الله بروجردی و به انتصاب دکتر مصدق - نخست وزیر وقت - به عنوان مجتهد جامع‌الشرایط شورای عالی فرهنگ منصوب شد. حدود ۱۳۳۸ از طرف آیت‌الله بروجردی به منظور تبلیغ به آمریکا عزیمت نمود، اما بزودی دریافت که برای این منظور لازم است با زبان و تفکر غربی آشنا شود، لذا تحصیل در رشته فلسفه را در دانشگاه‌های آمریکا آغاز کرد. دوره لیسانس را در دانشگاه جورج تاون و فوق لیسانس را در میشیگان سپری کرد و برای تحصیل در دوره دکتری به تورنتو کانادا رفت و در این مدت علاوه بر تحصیل به تدریس نیز اشتغال داشت. پس از پایان دکتری به عنوان عضو انجمن اخلاق زیستی کندی در دانشگاه جورج واشنگتن استخدام شد و تا سال ۱۳۵۹ش (۱۹۸۰م) در این سمت بود و در این دانشگاه و نیز دانشگاه ییل تدریس می‌کرد. حائری در نخستین روزهای انقلاب از طرف امام خمینی، به عنوان سفیر ایران در واشنگتن منصوب شد، اما خیلی زود از این مقام استعفا کرد. وی در ۱۳۵۹ به ایران بازگشت. سپس در ۱۳۶۳ برای تدریس به دانشگاه آکسفورد رفت و مدتی هم در لندن بود.

مهدی حائری در مقام متخصص در فلسفه اسلامی و غرب به مقایسه این دو نظام پرداخته است. وی فلسفه غرب را از جهت روش و بهره‌گیری از منطق، برتر از فلسفه اسلامی و فلسفه اسلامی را از جهت محتوا و گام‌هایی که در زمینه فلسفه علم و معرفت‌شناسی برداشته، بهتر دانسته است.<sup>۱</sup> وی فلسفه اسلامی را به عنوان دانشی که مبتنی بر منطق است ستوده و تلاش برخی شرق‌شناسان برای نزدیک کردن این فلسفه به حوزه عرفان، که مبتنی بر شهود و علم حضوری است، را ناپسند دانسته است. به نظر ایشان تعبیر فلسفه ذوقی، متناقض است. زیرا فلسفه در جستجوی حقیقت است و با مفاهیم سر و کار دارد و با ذوق و جذبۀ تناسبی ندارد. وی عرفان در رده علوم تجربی می‌داند. زیرا عارف پس از رسیدن به مقام فنا و رجوع از عالم کثرت، در صدد بیان تجربیات خود برمی‌آید و عرفان عملی از این طریق شکل می‌گیرد. اما فلسفه عرفان (meta-mysticism) چیزی است که عارف سعی می‌کند از تجربیات خود، در قالب مفاهیم و قاعده‌ها عرضه کند.<sup>۲</sup>

به عقیده حائری، حکمت متعالیه «زبان برتر حکمت» است و نظام و مکتب مستقلی نیست و ملاصدرا بر اساس مبانی فلسفه مشاء و اشراق به تحلیل و تفسیر و نوآوری‌های جدید در مسائل دست یافته است. وی در ستایش فلسفه ملاصدرا فهرستی از ابتکارات او ارائه کرده و معتقد است که ابتکاری بودن این آراء به معنای بی‌سابقه بودن آنها نیست، بلکه او در بسیاری از مسائل آراء دیگران را با تصرفاتی آورده و تنها ابتکار او در لواحق است که بر آنها می‌افزاید. برخی از این ابتکارات عبارتند از: اصالت وجود در تحقق، اصالت وجود در جعل، تشکیک خاص وجود، وجود رابط و رابطی، ضرورت ازلی، امکان به معنی فقر، اعتبار، تفاوت حمل اولی ذاتی و شایع صناعی، وجود ذهنی، اتحاد عقل و عاقل و معقول، حرکت جوهری، بسیط‌الحقیقه، جسمانیة‌الحدوث و روحانیة‌البقا بودن نفس، وحدت نفس و عینیت آن با قوا و بدن، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، معاد جسمانی و علم باری تعالی.<sup>۳</sup>

حائری در آثار خود از برخی نکات دقیق فلسفه اسلامی به منظور تحلیل مسائل و پاسخ به اشکالات فلاسفه غرب استفاده کرده است که از آن جمله می‌توان تفاوت میان استی (وجود رابط) و هستی (وجود محمولی)؛ وجود مطلق و مطلق وجود اشاره کرد.<sup>۴</sup> همچنین بر این باور بوده که با تعریف «فرد بالذات» بر بسیاری از دشواری‌های فلسفی فائق آمده و رابطه کلی و افرادش را تبیین کرده است. به عقیده او فرد بالذات یعنی یک وجود حقیقی و



مشخص که آن را از جسم و سایر عوارض آن تفکیک کرده‌ایم. نسبتی که چنین امری با کلی طبیعی دارد، نسبت عینیت و اتحاد است. یعنی تمام مزایایی که کلی طبیعی دارد عیناً در فرد نیز هست. به همین اعتبار است که در جامعه‌شناسی اسلامی و تعبیر قرآنی ذکر شده که کشتن یک انسان به منزله کشتن همه انسان‌ها است.<sup>۵</sup> به نظر حائری وجودشناسی در فلسفه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و بر اساس آن می‌توان مسئله توحید و نیز ارتباط واحد با کثیر را تبیین کرد. او با نقد برهان صدیقین ابن‌سینا و بر اساس برهان ملاصدرا تحلیلی جدید از این برهان ارائه کرده و سعی نموده است که اشکالات آن را از طریق تحلیل منطقی برطرف نماید.<sup>۶</sup> تئوری «هرم هستی» که بخشی از رساله دکتری حائری است، طرحی جدید برای تبیین رابطه واحد و کثیر است. وی مدعی است که وحدت وجودی که او بر اساس تئوری هرم هستی بیان کرده، متفاوت از وحدت وجود عرفانی است و می‌توان آن را «وحدت وجود منطقی» نامید و از آن طریق می‌توان ارتباط کثرت حقیقی با واحد حقیقی را بیان کرد.<sup>۷</sup>



معرفت‌شناسی و مسئله علم نیز یکی از دغدغه‌های مهم حائری بوده است؛ چنان‌که رساله دکتری خود را درباره علم حضوری نگاشته است. او سه تفسیر از مسئله اتحاد عاقل و معقول نزد ملاصدرا ارائه نموده و اقوالی که این قاعده را بر اساس اضافه توضیح داده‌اند، از جمله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی را نقد کرده است.<sup>۸</sup> راه برگزیده وی برای توجیه این مسئله، تحلیل حیثیت فی‌نفسه و فی‌غیره معقول است. وی معتقد است که: «نخست باید وجود استقلالی و نفسی صورت عقلی یا معقول بالذات را از هر مقوله‌ای که باشد، چه عرض و چه جوهر بدست آورد و سپس حقیقت این وجود را با قطع نظر از همه ضنائم و اغیار آن بشناسیم و معلوم کنیم که حقیقت این وجود غیر از عقل و فعلیت و نورانیت نیست و هنگامی که این مرحله را طی کنیم به آسانی خواهیم دانست چیزی که حقیقتش عقل است و در این حقیقت نیازی به غیر ندارد، از طریق برهان تضایف البته باید خود عاقل و معقول هم باشد و سرانجام اتحاد عقل، عاقل و معقول ثابت خواهد شد.»<sup>۹</sup>

وی فلسفه غرب را  
از جهت روش و  
بهره‌گیری از منطق،  
برتر از فلسفه اسلامی و  
فلسفه اسلامی را  
از جهت محتوا و  
گام‌هایی که در زمینه  
فلسفه علم و  
معرفت‌شناسی برداشته،  
بهرتر دانسته  
است.

حائری در تفسیر معنای امکان خاص در فلسفه اسلامی با علامه طباطبائی اختلافاتی داشته‌اند که به صورت سلسله انتقادات و پاسخ‌ها منتشر شده است.<sup>۱۰</sup>

او در آثار خود به فلسفه عملی نیز توجه ویژه داشته است. به عقیده او فلسفه عملی که به هستی‌های مقدور - برخاسته از اراده و شعور انسانی - می‌پردازد، نوعی عقل‌ورزی است و سیاست مدن که یکی از شاخه‌های آن است، همان فن‌کشورداری و حکومت است و به این ترتیب می‌توان گفت که حکومت از حکمت اشتقاق یافته و به معنای تدبیر اندیشمندانه و عادلانه امور داخلی و خارجی شهروندان است و نه به معنای فرمانروایی و تحکم بر زیردستان.<sup>۱۱</sup> وی در این باره به رأی افلاطون در رساله جمهوری استناد کرده است.<sup>۱۲</sup> به نظر حائری، احتیاجات فردی و نوعی انسان‌ها شکل دهنده علوم و قوانینی است که آنها را اعتباریات می‌نامند. وی حکومت و آئین‌کشورداری را نیز از این قسم امور دانسته است. حائری با استناد به ارسطو، حکومت را نماد هر جامعه دانسته و معتقد است که حکومت متناسب با جامعه شکل می‌گیرد. در این دیدگاه نحوه ارتباط افراد با جامعه همانند مالکیت شخصی در ملکی مشاع است که همه به نحو مساوی و مشترک در آن سهیم‌اند. سپردن حاکمیت به شخص یا گروه خاص نیز توسط مردم انجام می‌شود. به این ترتیب حکومت نوعی وکالت است و با ولایت تناسبی ندارد.<sup>۱۳</sup> این دیدگاه مورد نقد واقع شده است و سلسله مقالاتی در رد و پاسخ به انتقادات نوشته شده است.<sup>۱۴</sup>

حائری در ۱۳۷۸ در تهران درگذشت.<sup>۱۵</sup>

آثار مهدی حائری یزدی به ترتیب سال انتشار (اولین چاپ) عبارتند از: علم کلی (قم ۱۳۳۵)، کاوش‌های عقل نظری (تهران ۱۳۴۷)، هرم هستی: تحلیلی از مبادی هستی‌شناسی تطبیقی (تهران ۱۳۵۹)، روش راستین یکتاشناسی (انتولوژی توحیدی) - تهران ۱۳۵۹ - و متافیزیک (مجموعه مقالات فلسفی - منطقی) به کوشش عبدالله نصری در ۱۳۶۰ چاپ شد. نصری این مجموعه را به همراه مقالاتی دیگر از حائری در اثری با عنوان

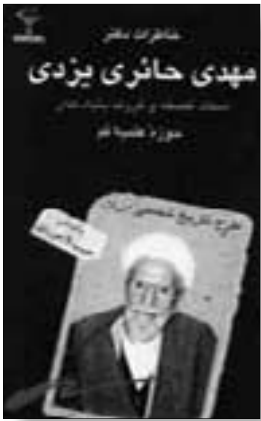


جستارهای فلسفی در ۱۳۸۴ چاپ کرده است. آگاهی و گواهی (تهران ۱۳۶۰) ترجمه و شرح انتقادی رساله تصور و تصدیق صدرالدین شیرازی است. کاوش‌های عقل عملی (فلسفه اخلاق) - تهران ۱۳۶۱ - رساله دکتری حائری با عنوان *Knowledge by Presence* در ۱۹۸۲م (۱۳۶۱ش) در تهران و در ۱۹۹۲م با مقدمه سیدحسین نصر در نیویورک چاپ شد. سیدحسین نصر در مقدمه‌ای که بر کتاب علم حضوری او نگاشته است، حائری را به عنوان یک فیلسوف اسلامی که متعلق به سنت زنده فلسفی اسلامی است معرفی کرده و به ارزشمندی آثار وی در حوزه مطالعات تطبیقی اشاره کرده است.<sup>۱۶</sup> حکمت و حکومت (لندن ۱۹۹۵م / ۱۳۷۴ش)، الحجة فی الفقه (تهران ۱۳۷۹ش) که تقریرات دروس اصول فقه آیت‌الله بروجردی است؛ تعلیقات بر تحفة‌الحکیم آیت‌الله محمدحسین اصفهانی (تعلیقات لجامع‌الحکمتین علی تحفة‌الحکیم آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، تهران ۱۳۸۰ش). همچنین عبدالله نصری تقریرات درسی استادش، مهدی حائری یزدی، را با عنوان سفر نفس (تهران ۱۳۸۰) و فلسفه تحلیلی و نظریه شناخت در فلسفه اسلامی (تهران ۱۳۸۵) منتشر کرده است.



### منابع:

- آفاق فلسفه (گفت و گوهایی با دکتر مهدی حائری یزدی)، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۹.
- خاطرات مهدی حائری یزدی (استاد فلسفه، فرزند بنیان‌گذار حوزه علمیه قم)، حبیب لاجوردی، تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۱.
- هرم هستی: تحلیلی از مبادی هستی‌شناسی تطبیقی، مهدی حائری یزدی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
- جستارهای فلسفی (مجموعه مقالات)، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۴.
- کاوش‌های عقل نظری، مهدی حائری یزدی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۴.
- کاوش‌های عقل عملی (فلسفه اخلاق)، مهدی حائری یزدی، تهران ۱۳۸۴.
- حکمت و حکومت، مهدی حائری یزدی، لندن: ۱۹۹۵م/۱۳۷۴ش.
- وجود رابط و مستقل (ویراست دوم)، غلامحسین دینانی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۳.
- قواعد کلی در فلسفه اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
- تاریخ حکما و عرفای متأخر (تحریر ثانی)، منوچهر صدوقی سهاء، تهران: حکمت، ۱۳۸۱.



### پی‌نوشت‌ها

۱. آفاق فلسفه، صص ۵۶-۵۵؛ و جستارهای فلسفی، صص ۵۰-۳۸.
۲. همان، صص ۵۱-۴۹، ۵۷-۵۶.
۳. جستارهای فلسفی، صص ۱۸۴-۱۸۳.
۴. همان، صص ۴۰۹-۴۰۰؛ حکمت و حکومت، صص ۱۰-۲، ۱۴-۱۳ و آفاق فلسفه، ص ۷۹.
۵. علم کلی، صص ۱۳۹-۱۳۸؛ هرم هستی، صص ۲۴۳-۲۴۲؛ دکتر دینانی ابتکاری بودن این رأی را مورد تردید قرار داده است. ر.ک. وجود رابط و مستقل، ص ۲۵۴.
۶. جستارهای فلسفی، صص ۵۵-۵۱، ۵۹، ۶۸، ۷۲، ۷۷، ۸۴.
۷. هرم هستی، ۱۵۳-۱۵۲، ۱۶۷.
۸. دکتر دینانی در قواعد کلی فلسفی، ج ۱، صص ۳۲۱-۳۱۸ به نقد‌ها پاسخ داده است و حائری نیز به آنها پاسخ داده است. ر.ک: جستارهای فلسفی، صص ۱۵۸-۱۵۴.
۹. کاوش‌های عقل نظری، صص ۲۹۵-۲۶۹؛ جستارهای فلسفی، صص ۱۵۸-۱۳۲.
۱۰. ر.ک: جستارهای فلسفی، صص ۲۰۸-۲۰۳.
۱۱. حکمت و حکومت، صص ۱۲، ۵۵ - ۵۴.
۱۲. همان، صص ۶۰-۵۹.
۱۳. همان، صص ۶۵-۶۴، ۷۰-۷۶، ۱۰۲-۱۰۱، ۱۷۷، ۱۷۸-۱۰۷.
۱۴. ر.ک: برای نمونه نقد آیت‌الله جوادی آملی و پاسخ آیت‌الله حائری، جستارهای فلسفی، صص ۳۵۰-۲۸۱.
۱۵. تاریخ حکما و عرفای متأخر (تحریر ثانی)، ص ۲۹۳ و خاطرات دکتر مهدی حائری یزدی، ص ۱۳.
۱۶. ر.ک: آفاق فلسفه، ص ۱۸۹.

